انتقاد کارگردان و تهیه‌کننده فرانسوی به جشنواره کن

زنان روی فرش قرمز خودنمایی وقیحانه‌ای دارند

■ **معصومه طاهری**

پاسکال توماس بازیگر، کارگردان، نویسنده و تهیه‌کننده فرانسوی است که تاکنون آثار متعددی در حوزه تولید فیلم سینمایی و نمایشنامه داشته از جمله روز چهارشنبه دیوانه، ساعت صفر، والنتین والنتین و... همچنین در فیلم‌های سینمایی زیادی هم بازی کرده است. وی که این روزها در جشنواره کن حضور دارد نسبت به وضعیت زنان انتقادات شدیداللحنی داشته است. پاسکال در یک جلسه نقد و بررسی فیلم‌های منتخب کن که به نفع حقوق زنان به همراه کنفرانسی در این زمینه برگزار شده بود، سخنرانی کرد و گفت: تنها ارزشی که در یک فیلم به زن داده می‌شود آن است که آنها به عنوان یک شیء جنسی، بیشتر از مردان درآمدزایی دارند. این همان صنعت پورنو است که وضعیت لعنتی و شرم‌آوری دارد. یک زن با پوشش بسیار ناجور خودش را در بزرگ‌ترین فعالیت‌های سینمایی نمایان می‌کند که به طرز وحشتناکی سینما را مبتذل کرده است، چنانکه تقریباً هیچ چیز پنهانی و پوشیده‌ای از او در سینما وجود ندارد. این یک هشدار جدی درباره وضعیت زنان در صنعت سینماست که اصلاً قابل قبول نیست. انتقادات این کارگردان نسبت به جایگاه زنان در جشنواره کن تا حدی بود که نشریه فیگارو را واداشت تا با وی گفت‌وگویی داشته باشد و نظرات او را بیشتر جویا شود.

اغلب زنان حاضر در جشنواره کن مانند سلما هایک (بازیگر و فیلمساز مکزیکی) بیشتر بدنشان را روی فرش قرمز به نمایش گذاشتند، نظر شما چیست؟

گابریل شانل (معروف به افسانه مد و طراح پیشتاز مد در فرانسه) به خوبی در آن زمان پیش‌بینی کرده بود، او حرفی زد که امروز تصویر کاملی از آن وجود دارد. گفته بود: نباید به زنان ناجور اجازه داد تا مدی داشته باشند زیرا آنها به روسپی تبدیل خواهند شد. این مایه تأسف است که لجام گسیختگی مسخره‌ای بین زنان در جشنواره کن به عنوان یک فستیوال بزرگ سینمایی حاکم است، به شکلی که زنان از همه طرف پوشش بدی دارند. من این را بسیار تحقیرآمیز می‌دانم. وقتی این وضعیت وجود دارد مردان که مانند کوه نیستند تا دچار خطا و لغزش نشوند! پس چرا زنان باید با این وضعیت حاضر شوند و اینگونه لباس بپوشند؟!

شما این وضعیت زنان را مبتذل می‌دانید؟

بله، بلکه حتی مضحک می‌دانم وقتی که وضعیت ناجور سلما هایک را می‌بینم، این باعث می‌شود تا من با او نه رفتار گرمی داشته باشم و نه سرد، بلکه یک رفتار مصنوعی از خودم نشان می‌دهم. زنانگی واقعی در لباس و پوشش، عاقلانه‌تر نمایان می‌شود. برای نمونه اندی مک‌داول بازیگر سرشناس سینما و تلویزیون امریکا هنگامی که تن نیمه‌عریان او را می‌بینیم می‌توانیم حدس بزنیم از چه زمانی شروع به کار کرده است و چند سال دارد. من خیلی خیلی اینجا حرکات نفسانی و شهوانی می‌بینم. وقتی زنی مثل کارین دومیربک که در نقش همسر ونسان لیندون در فیلم «قانون بازار» بازی کرده آن هم فیلمی ملودرام، در مراسم جشنواره با پوشش بسیار بدی حاضر می‌شود که تمام اندامش پیداست، بسیار نگران‌کننده و تحریک‌آمیز است.

برای ورود به جشنواره کن از سال ۱۹۶۰ قوانین ورودی برداشته شد؟

در واقع، آن زمان هم کدهای ورودی به جشنواره وجود داشت اما مانند امروز چنین وضعیتی با این شدت حاکم نبود. آن دوره بیشتر فضا و محیط جشنواره مطرح بود اما حالا زنان. آنها مانند عروسک‌های باربی در جشنواره کن حاضر می‌شوند و جلوه‌گری بیشتری دارند که این مسئله باعث نابودی زن است. به نوعی غوطه‌ورشدن در مدگرایی، امروز به بخشی از تاریخ جشنواره کن تبدیل شده است.

منظور شما این است که می‌گوید همه کسانی که بدنشان را روی فرش قرمز کن به نمایش گذاشته‌اند سنت‌شکن و قانون‌شکن هستند؟

نه فقط در جشنواره کن بلکه به طور کلی در عرصه سینما و هنر. امروز هنر هفتم تغییر کرده است. به‌جای آن رفتارهای عاشقانه حاکم شده است؛ بوسه‌هایی که در آنها عشق و محبت نیست، زیرا معنای عشق هم تغییر کرده و بیشتر پورنو و حاکمیت جنسی دیده می‌شود تا صنعت سینما و هنر هفتم.

به نظر شما در جشنواره کن تمایل بیشتر به جنسیت و بدن زنانی است که روی فرش قرمز راه می‌روند یا فیلم‌های نمایش داده شده؟

خوشبختانه نه همه چیز فراموش نشده است؛ البته زیبایی جشنواره کن فقط به این نباید باشد که زنان روی فرش قرمز راه بروند و در صفحات بزرگ تلویزیونی به نمایش گذاشته بشوند تا محور توجه و تمرکز گردند ولی این چیزی است که در جشنواره‌های مختلف دیده می‌شود که به عنوان سرمایه اصلی فیلم هم به حساب می‌آیند.

علاوه بر این، صحبت‌هایی که درباره فیلم‌های منتخب جشنواره داشتید به نظر شما فیلم «عشق» ساخته گاسپر نوئه (به عنوان آخرین فیلم پورنو در پاریس از آن یاد شده است) را هم یک عشق مصنوعی و شهوانی قلمداد می‌کنید؟

اوه نه! من قصد ندارم آن را ببینم. این فیلم یک شوخی مضحک در جشنواره کن بود که حتی دخترم را هم منع می‌کنم تا آن را ببیند.

ممکن است بگویند این نوع رفتارهای جنسی همه جا بین افراد غیرحرفه‌ای و عادی هم وجود دارد؟

نه، من این را قبول ندارم. البته هوسرانی و میل به شهوات و نفسانیات وجود دارد، اما هرگز تمایلات جنسی به این شدت که در صحنه‌های بسیاری از فیلم‌ها دیده می‌شود، نیست. این فیلم‌ها به‌خصوص فیلم «عشق» به‌گونه‌ای هستند که تماشاگر حق را به زشت‌ترین صحنه‌ها با نام عشق می‌دهد! من ترجیح می‌دهم از این صحنه‌ها فیلمبرداری نکنم و نداشته باشم. علاوه بر این، در این زمینه عشق با تمایلات شهوانی و شیطانی فرق دارد. در این سینما مدیریت به سمت لمس زنانه و تمایلات جنسی پیش می‌رود که هیچ چیزی در آن نیست و سینما را به سمت پوچی می‌کشاند.

«هزار و یک شب» ۷۰ گردشگر به ایران می‌آورد

■ **الناز خمامی‌زاده**

دومین قطار گردشگری بین‌المللی با نام هزار و یک شب، ۷۰ گردشگر را از کشورهای آلمان، سوئیس، هلند، امریکا، اتریش و ترکیه به ایران می‌آورد.

به گزارش «جوان»، سیر ورود قطارهای گردشگری به کشور کماکان ادامه دارد؛ بعد از قطار لوکس گردشگری «دانوب اکسپرس» که چندی پیش برای دومین بار از مجارستان به ایران آمد، نوبت به قطار گردشگری بین‌المللی هزار و یک شب رسیده است. این قطار قرار است پنجم خرداد ماه ۷۰ گردشگر خارجی را با خود به ایران بیاورد. هر چند شاید گردشگران سوار بر این قطار به اندازه گردشگران قطار لوکس مجارستانی ثروتمند نباشند اما ورود این تعداد گردشگر با یک قطار گردشگری به کشور می‌تواند در نوع خودش تجارب جدیدی را برای گردشگران خارجی سطح متوسط جوامع اروپایی و نیز امریکا رقم بزند. گفته می‌شود که ۷۰ گردشگری که از طریق هزار و یک شب به ایران می‌آیند از ملیت‌های آلمان، سوئیس، هلند، امریکا، اتریش و ترکیه هستند. قطار هزار و یک شب روز پنجم خرداد ماه از مرز رازی وارد استان زنجان می‌شود. این قطار در استان‌های زنجان، یزد، اصفهان و تهران توقف دارد و گردشگران از آثار تاریخی و اماکن گردشگری این شهرها بازدید خواهند داشت. مدیر کل بازاریابی و تبلیغات گردشگری کشور گفته است که تمامی برنامه‌ریزی‌های لازم برای میزبانی از گردشگران این قطار با ادارات کل میراث فرهنگی شهرهای محل توقف صورت گرفته است. ظاهراً قطار هزار و یک شب، ساعت ۷:۳۰ روز ۱۰ خردادماه وارد ایستگاه راه‌آهن استان تهران می‌شود و معاون گردشگری سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی کشور با یک تیم همراه برای استقبال از این گردشگران به ایستگاه راه‌آهن خواهند رفت. گردشگران قطار هزار و یک شب پس از یک روز توقف در استان تهران، روز ۱۱ خرداد ماه با هواپیما کشور ما را به مقصدهای خود ترک می‌کنند. هنوز مشخص نیست که آیا تور اپراتور خارجی مسئول این قطار، قصد آوردن تورهای دیگری را در ماه‌های باقی مانده تا سال میلادی جاری دارد یا خیر.

گفت‌وگو با نویسنده کتاب «آن بیست و سه نفر»

۲۲ نفر بر کتاب آن ۲۳ نفر شهادت می‌دهند

سرنوشت آن ۲۳ نفر در «اردوگاه اطفال» می‌آید

■ **علیرضا ملوندی**

«آن بیست و سه نفر» خاطرات خودنوشت احمد یوسف‌زاده از دوران اسارت خود به همراه ۱۸ نوجوان کرمانی و چهار نوجوان دیگر است که در جریان آزادسازی خرمشهر به اسارت نیروهای بعثی عراقی درآمدند. یوسف‌زاده در این کتاب تنها خاطرات هشت ماه از دوران ابتدایی اسارت خود و همرزمانش را بازگو می‌کند که در آن اتفاقات جالبی از جمله حضور در کاخ ریاست جمهوری عراق و دیدار با صدام رخ داده است. «آن بیست و سه نفر» نیز مانند همه کتاب‌هایی که دربرگیرنده خاطرات نوجوانان و رشادت‌های آنها در اردوگاه‌های بعثی است، ناگفته‌های زیادی دارد که کتاب را به یکی از خواندنی‌ترین آثار دفاع مقدسی تبدیل کرده است. یکی از ویژگی‌های این کتاب تقریظ مقام معظم رهبری بر آن است. به این مناسبت گفت‌وگویی با احمد یوسف‌زاده، نویسنده کتاب «آن بیست و سه نفر» انجام دادیم که متن کامل آن را در ذیل می‌خوانید.

چرا بعد از گذشت ۱۷ سال از زمان اسارتتان اقدام به نوشتن این اثر کردید، در حالی که پیش از این نیز آثاری را در زمینه دفاع مقدس نوشته‌اید؟

خاطرات اسارتم را همان سالی که از اردوگاه‌های بعثی آزاد شدم، نوشتم. با این حال تبحر زیادی برای اینکه این خاطرات را در قالب کتاب و رمان بنویسم، نداشتم و چون می‌دانستم نمی‌توانم اثر خوبی را بنویسم، اصلاً این کار را نکردم. بعد از آزادی‌ام وارد حرفه روزنامه‌نگاری، خبرنگاری، داستان‌نویسی و... شدم و بعد از ۱۶ سال در روزنامه‌نگاری به جایی رسیدم که احساس کردم می‌توانم کتاب آبرومندی را بنویسم.

همانطور که گفتید پیش از این نیز خاطرات دو تن از رزمندگان و جانبازان کشورمان را نوشته بودم و حتی پیش از اینکه بخش هشت ماه اسارتم و داستان‌های مربوط به آن را که در کتاب «آن بیست و سه نفر» نوشته ام بنویسم، کتاب «لبخند در قفس» را که در سال ۸۷ برگزیده کتاب سال دفاع مقدس کشور شد، نوشتم. با این حال منتظر ماندم تا ماجرای اصلی اسارت خود را که همان داستان آن ۲۳ نفر است، زمانی که به تبحر در داستان‌نویسی رسیدم، به رشته تحریر درآورم.

کتاب «آن بیست و سه نفر» را طی سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ نوشتم و یک سال نیز پروسه چاپ آن به طول انجامید که در نهایت در سال ۹۳ منتشر شد و تا پایان سال نیز به چاپ دوم رسید. البته باید بگویم که بعد از تقریظ مقام معظم رهبری بر این کتاب، «آن بیست وسه نفر» در میان مردم شناخته شد و الان به چاپ پانزدهم رسیده است. نکته‌ای که باید به آن اشاره کنم این است که داستان کتاب جزو داستان‌های ناب در طول دفاع مقدس به شمار می‌رود و از این رو نیازمند بود تا تمام سعی‌ام را برای نگارش آن به کار بگیرم.

با این حال «آن بیست و سه نفر» تنها هشت ماه از دوران اسارت چند ساله‌ام را در بر می‌گیرد و طبیعتاً سال‌های دیگری که در اسارت بودم نیز داستان‌های جالبی دارد، البته تمام افرادی که در اسارت و جبهه‌ها بوده‌اند، خاطرات ناب و زیبایی دارند که باید به آنها پرداخته شود. در حقیقت هنوز خاطرات زیادی وجود دارد که با گذشت زمان از دل آنها کتاب‌های خوبی درمی‌آید، همانطور که بعد از گذشت ۳۰ سال کتاب‌های خوبی مانند دا، کوچه نقاش‌ها، دختر شینا و... را داریم. هر سال که جلوتر می‌رویم با گنج‌های جدیدتری مواجه می‌شویم.

«آن بیست و سه نفر» بعد از ۳۰ سال نگاشته می‌شود، در حالی که امروز به جز یکی از آن ۲۳ نفر مابقی زنده‌اند و شهادت می‌دهند بر آنچه در این کتاب اتفاق افتاده است.

با توجه به انتشار تقریظ مقام معظم رهبری پیش از نمایشگاه کتاب تهران، استقبال از این اثر در طول نمایشگاه چطور بود؟

فروش کتاب در طول نمایشگاه کتاب بسیار خوب بود به گونه‌ای که هر روز هزار جلد از این کتاب فروخته می‌شد، در حقیقت در طول ۱۰ روز نمایشگاه کتاب بیست و هشتم ۱۰ هزار جلد از کتاب «آن بیست و سه نفر» به فروش رسید که این نشان‌دهنده استقبال خوب مردم از این اثر است.

از نگاه شما کدام قسمت از کتاب تلخ‌تر بوده است؟

طبیعتاً اسارت تلخی‌ها و شیرینی‌ها را در کنار هم دارد، با این حال باید گفت که اگر ماجرای آن ۲۳ نفر را از نگاه فردی دیگر و به طور مثال آن مجروحی که در کتاب درباره آن گفته‌ام نگاه کنیم، ماجرا بسیار تلخ‌تر بوده است. به عبارت دیگر به تعداد تمام آن ۲۳ نفر می‌توان خاطرات تلخ‌تر و حتی شیرین‌تری را از دوران اسارت نوشت، با این حال نمی‌خواستم کتابم اثر تلخی باشد به همین دلیل اگر از تلخی‌های اسارت گفته‌ام، شیرینی‌های آن را نیز بیان کردم، اگر از سرباز بد عراقی صحبت کرده‌ام، تعریف سربازهای خوب عراقی را هم کردم. «آن بیست و سه نفر» کتاب سیاه و سفید است؛ چراکه در آن هم رزمنده خوب و منظم داریم و هم رزمنده‌ای که نظم را رعایت نمی‌کند، در آن هم سرباز بعثی داریم هم سربازی که رفتار مناسبی با رزمندگان دارد. البته اگر بخواهم کتاب را دوباره بنویسم، نگاه ریزبینانه‌تری نسبت به آن خواهم داشت؛ چراکه برخی افراد که این اثر را خوانده‌اند، عنوان می‌کنند که باید نگاه ریزبینانه‌تر و دقیق‌تری نسبت به کتاب و مسائلی که شاید در کتاب خیلی به آن توجه نکردم، داشته باشم.

ماجرای آن ۲۳ نفر در همین کتاب به پایان می‌رسد؟

خیر، در دیداری که با مقام معظم رهبری داشتم، ایشان پرسیدند که ادامه کتاب را خواهم نوشت؟ بنده نیز در جواب به رهبر انقلاب گفتم ادامه ماجرای آن ۲۳ نفر را در کتاب بعدی‌ام می‌نویسم.

در جلد دوم کتاب به ماجرای آن ۲۳ نفر به همراه ۴۰۰ نوجوان دیگری که در عملیات والفجر و پیش از آن اسیر شده بودند و همه‌مان را در یک اردوگاهی که به اردوگاه اطفال معروف بود، جمع کردند، خواهم پرداخت و قطعاً اگر ماجرای جلد دوم کتاب جالب‌تر و خواندنی‌تر از کتاب «آن بیست و سه نفر» نباشد، کمتر نخواهد بود. البته خاطرات جلد دوم کتاب مربوط به هفت سال از زمان اسارتم است که به همراه آن ۴۰۰ نفر ماجرایی شنیدنی دارد. این را هم بگویم که از آن ۲۳ نفر، چهار نفرمان تا آخر اسارت با هم بودیم و این یکی از شیرینی‌های دوران اسارت به شمار می‌رود.

درباره تقریظی که مقام معظم رهبری بر کتابتان نوشتند صحبت کنید.

اواخر سال گذشته حجت‌الاسلام محمدجواد حجتی کرمانی برای بیان خاطرات خود از دوران انقلاب اسلامی در دانشگاه شهید باهنر کرمان بود که در آن جلسه کتاب «آن بیست و سه نفر» را به وی دادم و حجت‌الاسلام حجتی نیز کتاب را تقدیم مقام معظم رهبری کردند. بعد از آن و در روز ۱۵ فروردین ۹۴ با بنده تماس گرفتند و عنوان کردند رهبر انقلاب بر کتابم تقریظی نوشته‌اند که این مسئله بسیار خوشحالم کرد؛ چراکه ایشان به عنوان ادیب و رهبر کشورمان با واژگان زیبا و هنرمندانه تقریظی بر کتابم نوشتند و این باعث افتخارم است.

از دیدار با مقام معظم رهبری بگویید.

۱۱ اردیبهشت ماه بود که دیدار کوتاهی با رهبری داشتم و ایشان در این دیدار عنوان کردند کتاب زیاد می‌خواند ولی برخی کتاب‌ها امتیاز دارند و کتاب «آن بیست و سه نفر» نیز از لحاظ نوشتاری امتیاز دارد و فرمودند می‌خواهید کتاب را ادامه دهید که بنده نیز عرض کردم جلد دوم کتاب را خواهم داشت.

جلد دوم کتاب «آن بیست و سه نفر» چه زمانی منتشر می‌شود؟

ان‌شاءالله جلد دوم کتاب که به احتمال زیاد اسم آن «اردوگاه اطفال» است در سال آینده منتشر خواهد شد تا مخاطبان با سرنوشت آن ۲۳ نفر آشنا شوند.

نگاهی به ۳۳ سال سکوت

مستندی که ماهرانه بر لبه تیغ انتقاد راه می‌رود

■ **محسن دریالعل**

فیلم مستند ۳۳ سال سکوت، روایت زندگی ابوالفضل دوزنده نیست. ۳۳ سال سکوت روایت نامهربانی ما نسبت به تمام دوزنده‌هایی است که عاشقانه و خالصانه برای این کشور افتخار آفریدند و در کمال بی‌احترامی و بی‌مهری دل آنها را شکستیم اما همچنان پای آرمانشان ایستاده‌اند و با وجود این ناملایمات و ایرادات ساختاری، باز هم عاشقانه، ایران اسلامی را دوست دارند. ابوالفضل دوزنده یک نمونه برای بررسی و بیان دردی است که سالیان دراز درباره آن سکوت کرده‌ایم، دردی که همه از آن خبر داریم و بارها به چشم، آن را دیده‌ایم اما دل و دهانمان مهر شده و سکوت همه چیز را برایمان رقم می‌زند. حسرت و اندوه درونی، اولین اتفاق بعد از دیدن «مستند ۳۳ سال سکوت» است؛ اتفاقی که بلاشک در هر بیننده‌ای القا می‌شود و از نکرده‌هایمان برای بزرگ‌مردان این مرز و بوم، زخمی بر دلمان به یادگار می‌نشیند تا مستند، کار خودش را کرده باشد. اصلاً یکی از مهم‌ترین کارهایی که هر مستند باید انجام دهد همین تلنگر است که بیننده و مخاطبش را به تفکر و تعمق وادارد.

۳۳ سال سکوت فارغ از تکنیک‌های فرمی ساخت که جای صحبت دارد، در قدم اول که روایت موضوع و سوژه است و در قدم قبل از نخست که پیدا کردن سوژه و تحقیق روی آن است، اثری موفق و در نوع خود کم‌نظیر به حساب می‌آید. کم‌نظیر از این جهت که توانسته موضوعی دشوار را برای روایت انتخاب کند و نتیجه کار، در تصویر و ذهن سازندگان تقریباً یکسان از آب درآمده و مانند بسیاری از آثار مشابه نشده است که تأثیر و برداشت مخاطب کاملاً متفاوت از منظور سازندگان می‌شود. شمقدری که به ظاهر در ساخت مستند در آلمان دست تنها بوده است، سعی کرده هم به سوژه نزدیک شود و هم این نزدیکی باعث ناامنی سوژه نشود البته در روند مستند کاملاً مشهود است که ابوالفضل دوزنده، با همین رفتار صمیمی فیلمساز و صداقت او ارتباط برقرار کرده و حالا سکوت چندین ساله را شکسته است. عموماً مستندهای پرتره در یک اتفاق و روند طاقت‌فرسا ساخته می‌شوند، روندی که از شناسایی سوژه و شخصیت موردنظر شروع می‌شود و از مسیر آشنایی با او، تحقیق درباره موضوع، نزدیک شدن و ارتباط برقرار کردن و راضی کردن سوژه و در انتها ساخت اثر به طول می‌انجامد. به همین خاطر است که معمولاً مستند پرتره خصوصاً از نوع داخلی‌اش، اثر قابل تأملی از آب درنیامده مگر آنهایی که ارتباطی نزدیک و قدیمی بین فیلمساز و سوژه برقرار بوده باشد اما ۳۳ سال سکوت انگار مسیری متفاوت را طی کرده است. شمقدری که خودش در ابتدای مستند هم بیان می‌کند هنوز موفق به راضی کردن دوزنده برای همکاری نشده و انگار این صحنه، اولین برخورد نزدیک آن دو با هم است، سعی کرده حین آشنایی و جلب اعتماد، مستند را هم پیش ببرد.

کار، کار دشواری است. هر اشتباه کوچک و بی‌نظمی، امکان دارد سوژه سخت‌پسند را دلسرد کند یا روند ساخت را به عقب بیندازد. اما شمقدری با صمیمیت ذاتی‌اش قدمی رو به جلو در مستندسازی برداشته و نتیجه، اثری تأثیرگذار است. البته ۳۳ سال سکوت اثر ویژه‌ای از لحاظ فرم محسوب نمی‌شود. خبری از قاب‌بندی‌های فوق‌العاده، تصاویر ناب، روایت غیرخطی، داستان‌های فرعی و از این دست اتفاقات که می‌تواند مستند را تبدیل به اثری ویژه از لحاظ فرم کند، نیست اما با این وجود ۳۳ سال سکوت اثر خوبی محسوب می‌شود که با عنصر جذابیت، عجین است. از طرفی دیگر جسارت گروه آرمان مدیا در انتخاب موضوع و ریسک ساخت، قابل تحسین است چراکه ۳۳ سال سکوت مانند اثر قبلی این گروه – میراث آلبرتا – راه رفتن روی لبه تیغ است با این حال نسبت به آن مستند، جسورانه‌تر و سرسخت‌تر بوده، از غرزدن‌های متداول و سیاه‌نمایی، فاصله می‌گیرد و انتقاداتی منطقی و منصفانه بیان می‌کند. اینجاست که تفاوت فیلمساز دلسوز و نق‌زن، مشخص می‌شود. در مجموع این مستند توانسته اثری خوش ریتم، جذاب و تأثیرگذار باشد که مخاطب از قشرهای مختلف و سلایق و اعتقادات گوناگون را پای خود بنشاند.

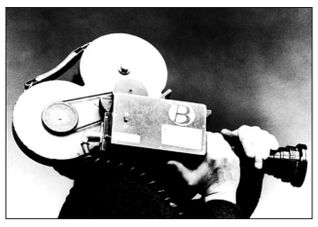

در جلسه نقد و بررسی مستند «بیست و سه و آن یک نفر» مطرح شد

گروه تفحص اندیشه‌های شهدا را هم تشکیل دهید

■ **محمدصادق عابدینی**

علی شاه‌حاتمی با انتقاد از وضعیت فرهنگی کشور بعد از دوران دفاع مقدس و بی‌توجهی مسئولان به جنگ فرهنگی، همه جامعه را در معرض آسیب‌های عملیات‌های فرهنگی دشمن دانست.

نشست نقد و بررسی مستند «بیست و سه و آن یک نفر» در برنامه سینما روایت، علی شاه‌حاتمی درباره کم‌کاری سینما نسبت به آزادسازی خرمشهر گفت: درباره حماسه خرمشهر اولین کار توسط مرحوم رسول ملاقلی‌پور بود که فیلم «بلمی رو به ساحل» را ساخت و بعد از آن مرتضی آوینی بود که بعد از سال‌ها درباره خرمشهر مستندی ساخت و به سراغ بچه‌هایی که گمنام مانده بودند، رفت. شاه‌حاتمی با انتقاد از وضعیت فعلی شهر خرمشهر گفت: درست است که خرمشهر را خدا آزاد کرد اما خرمشهری را که خدا آزاد کرده بود، مسئولان فراموش کردند، مقاومت ۴۵ روزه مردم خرمشهر را فراموش کرده‌اند، خرمشهر امروز نه در شأن مردم خرمشهر است نه در شأن انقلاب و هشت سال دفاع مقدس، خرمشهر هنوز خرم شهر نشده است. مردم خرمشهر به سختی زندگی می‌کنند و نیازمند ما هستند؛ ما که آزادی خرمشهر را جشن می‌گیریم اما برای خرمشهر کاری نمی‌کنیم.

کارگردان سینمای دفاع مقدس با بیان اینکه سال‌هاست برای پیدا کردن پیکر شهدا از زیر خاک گروه‌های تفحص ایجاد شده است، گفت: مسئولان یادشان رفته است که باید یک گروه تفحص دیگری نیز راه‌اندازی شود، گروهی که به تفحص اندیشه‌های شهدا بپردازد. به نظرم اندیشه‌های شهدا هنوز در مناطقی مانند اندیمشک خاک می‌خورد. هیچ مدیری تا به حال جرئت نکرده است برای تفحص افکار شهدا کاری انجام دهد. شاه‌حاتمی گفت: در طول دفاع مقدس اتفاقاتی مشابه داستان این ۲۳ نفر بسیار رخ داده است. چند سال پیش مستندی پنج قسمتی را به نام «عطش» ساختم با موضوع بچه‌هایی که در طول جنگ صرفاً به خاطر تشنگی به شهادت رسیده‌اند؛ در عملیات‌هایی مانند والفجر مقدماتی و ابوغریب. حرف‌های ناگفته درباره جنگ زیاد است و به نظرم هزینه‌هایی زیادی که سالانه برای سمینارهایی درباره دفاع مقدس انجام می‌شود یامفت هستند و تأثیری در بیان این حرف‌ها ندارند. وی ادامه داد: تمام افتخار ما این است که در جنگ پیروز شده‌ایم، جنگی که نابرابر بود. ما در اواسط جنگ قرارگاهی را راه‌اندازی کردیم که در آن فرماندهانی تربیت شوند و بدانیم چگونه باید بجنگیم. اگر این قرارگاه نبود آیا در جنگ برنده می‌شدیم؟ به جرئت می‌توانم بگویم، نه!

شاه‌حاتمی ادامه داد: کشور ترکیه شاید در ادبیات دستی بر آتش داشته باشد اما در عرصه سینما در انتهای قافله بود و بزرگ‌ترین افتخارشان دیدن هنرمندان ما بود اما الان همه جا حرف از حریم سلطان و فاطماگل شده است. اخیراً سفری به هند داشتم در آنجا هم پوسترهای فیلم‌های ترکیه‌ای را دیدم، در آنجا رایت فیلم‌های ترکیه‌ای را خیلی خوب می‌خریدند. نشست نقد و بررسی مستند «بیست و سه و آن یک نفر» روز یک‌شنبه سوم خرداد در مجتمع فرهنگی اسوه برگزار شد.

«از خامنه تا خرمشهر» منتشر شد

کتاب «از خامنه تا خرمشهر» خاطرات خودنوشت اسماعیلی مشنقی است که به تازگی منتشر شده است.

مشنقی درباره این کتاب گفت: کتاب از خامنه تا خرمشهر با زگوکننده خاطرات گردان ۴ از گردان‌های پادگان ولی‌عصر است که بعدها این گردان‌ها هسته اولیه تشکیل تیپ محمدرسول‌الله بودند. وی افزود: علاوه بر روایت خاطرات دوران کودکی و خاطراتم از انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، سعی کردم خاطرات چهره‌های سرشناس دوران دفاع مقدس از جمله شهید بروجردی، شهید همت و خاطراتی از حاج احمد متوسلیان را نیز بازگو کنم. مشنقی ادامه داد: «از خامنه تا خرمشهر» خاطرات یک رزمنده معمولی است که سعی دارد در حد توان اطلاعاتی از دوران انقلاب و ظلم‌های رژیم سابق تاریخ و اتفاقاتی که در دوران مقدس شاهد آنها بوده را به خواننده امروزی ارائه کند. این نویسنده همچنین گفت: به علت محرمانه بودن برخی از خاطراتم در این کتاب نیامده ولی سعی دارم بخشی از خاطرات مأموریت‌های خارجی‌ام را که قابل انتشار باشد، در کتاب دیگری بیان کنم.